# درباره ی محکومیت سه هنرمند جوان

بیانیه ی کانون نویسندگان ایران

بر اساس آنچه خبرگزاری ها منتشر کرده اند، شعبه ی ۲۸ «دادگاه انقلاب اسلامی» فاطمه اختصاری، مهدی موسوی و کیوان کریمی را به ترتیب به ۱۱ سال و نیم زندان و ۹۹ ضربه شلاق، ۹ سال زندان و ۹۹ ضربه شلاق و ۶ سال زندان و ۲۲۳ ضربه شلاق محکوم کرده است.

مهدی موسوی در صفحه ی خود در اینستاگرام به این حکم اعتراض کرده و آن را «لکه ی ننگی بر شعور انسانی و آزادی بیان دانسته است. به نظر کانون نویسندگان ایران نیز مسئله به آزادی بیان مربوط می شود. کانون در این باره که هنرمندان جوان در هنر خود چه چیزی را بیان کرده اند که «دادگاه» آن را ٍمصداق «توهین به مقدسات» و «تبلیغ علیه نظام» دانسته است نفیاً یا اثباتاً سخنی نمی گوید. کانون از آزادی بیان این هنرمندان دفاع می کند، که طبق منشورش همگان بی هیچ حصر و استثنا باید از آن برخودار باشند. افزون بر این، حاکمیت و به طریق اولی قوه ی قضاییه نباید در روابط خصوصی افراد دخالت کند، و روشن است که عناوینی چون «روبوسی و دست دادن با نامحرم» دست آویزهایی است برای سرکوب دگراندیشان. همین جا لازم است اشاره کنیم که عمل شرم آور گرفتنِ «تست بکارت» از زندانی سیاسی، آتنا فرقدانی، نیز از این مقوله است. اگر این درست است که اکنون سال هاست، گیریم به صورت دوفاکتو، دیگر زنان و مردانِ همراه با هم در خیابان ها و اماکن عمومی به بازجویی کشیده نمی شوند که چه نسبتی با هم دارند، در روابط خصوصیِ این هنرمندان جوان نیز تحت هیچ عنوانی نباید دخالت کرد، چه رسد به این که آن را مجرمانه تلقی کنیم.

کانون نویسندگان ایران فاطمه اختصاری، مهدی موسوی و کیوان کریمی و نیز آتنا فرقدانی را به هیچ عنوان مستحق احکام بس سنگین و ناعادلانه ای که برای آنان صادرشده نمی داند و خواهان الغای بی-قیدوشرط این احکام است.

کانون نویسندگان ایران
۲۱ مهر ۱۳۹۴

# مرگ شاهرخ زمانی در زندان

فعال سندیکایی شاهرخ زمانی «در زندان درگذشت»

شاهرخ زمانی روز ۲۲ شهریور ۱۳۹۴ (۱۳ سپتامبر ۲۰۱۵) در زندان رجایی شهر درگذشت. او عضو هیات مدیره «کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری» و هیات بازگشایی سندیکای کارگران ساختمان و نقاشان بود و پنجمین سال از محکومیت ۱۱ ساله زندان خود را به خاطر فعالیت های سندیکایی و تلاش برای تشکیل سازمان های مستقل سندیکایی می گذراند.

زمانی در نامه ای خطاب به سندیکاها و نهادهای حقوق‌بشری در سال گذشته نوشته بود که در زندان "مورد شکنجه روحی و جسمی" قرار گرفته است. و در نامه دیگری به احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل، از ارعاب و تهدید خود و اعمال فشار به خانواده‌اش شکایت کرده بود.

شرایط و دلیل یا دلایل درگذشت او روشن نیست. گفته می شود این زندانی ۵۱ ساله سالم بوده و بیماری خاصی نداشته است. در برخی خبرها گویا به نقل از ادعای مسوؤلان زندان رجایی شهر اعلام شده شاهرخ زمانی سکته مغزی کرده است ولی در برخی خبرها اعلام کرده اند سکته قلبی بوده است. کمیته حمایت از شاهرخ زمانی نوشته است: «دستان و دهان او خونی بوده و سرش متورم شده است. فعالین کارگری و تشکل ها و دوستان شاهرخ می خواهند کالبد شکافی شود تا علت یا علل مرگ شاهرخ مشخص شود ولی نزدیکان او به هر دلیلی شاید بر اثر تهدیدها نمی خواهند کالبد شکافی صورت به‌گیرد.»ـ

# سخنان شاهرخ زمانی به مناسبت روز جهانی کارگر

در زندان گوهردشت . ۹ اردیبهشت ۹۴

مشاهده کنید

---

# اعدام عقیدتی، اعدام آزادی بیان است

حکم اعدام محمدعلی طاهری نویسنده و پژوهشگر عرفان در دادگاه بدوی صادر شد. این چندمین حکمِ اعدامِ عقیدتیِ اعلام شده در یک سال اخیر است.

محمدعلی طاهری که مدتی پیش به جرم تاسیس و تبلیغ مکتبی عرفانی بازداشت و به پنج سال زندان محکوم شده و در حال گذراندن محکومیت خود بود، به تازگی به اتهام "افساد فی‌الارض" محاکمه و خبر صدور حکم اعدام او پس از بارها تایید و تکذیب سرانجام چند روز پیش اعلام شد.

در ایران روند اعدام‌ها همچنان پرشمار و پرشتاب ادامه دارد و منظور از آن دامن زدن به فضای رعب و وحشت میان مردمی است که خواسته‌های بحق و برآورده نشده‌شان طی سالیان، انبوه شده است. در این میان اعدام عقیدتی نمونه‌ی روشنی از نقض مطلق حقوق انسانی افراد است. جایی که داشتن عقیده‌ی متفاوت با ایدئولوژی رسمی حاکمیت و تبلیغ آن "افساد فی‌الارض" تلقی و دلیل صدور حکم اعدام

انسان‌ها می‌شود، از آزادی و ارزش جان آدمی خبری نیست.

کانون نویسندگان ایران داشتن عقیده و تبلیغ آن را حق انسانی هر کس می‌داند و خواهان لغو حکم اعدام محمدعلی طاهری و آزادی فوری او و تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی است.

کانون نویسندگان ایران
۱۳ مرداد ۱۳۹۴

---

# در حالی که محکومان نوجوان در معرض اعدام هستند، مسؤولان اتحادیه اروپا از تهران دیدار می کنند

پیام مشترک رسانه ای
فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر
و
سازمان های ایرانی عضو آن
کانون مدافعان حقوق بشر (DHRC) و
جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران (LDDHI)

ایران
در حالی که محکومان نوجوان در معرض اعدام هستند، مسؤولان اتحادیه اروپا از تهران دیدار می کنند
فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر، کانون مدافعان حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران اقدام دیپلمات های اروپایی، از جمله معاون صدراعظم آلمان زیگمار گابریل، نماینده عالی اتحادیه اروپا فدریکا موگرینی و وزیر خارجه فرانسه لورن فابیوس را در شتاب به دیدار از ایران و تصمیم به نادیده گرفتن حقوق بشر و از جمله اعدام های مداوم و اعدام های غیرقانونی در پیشِ چند محکوم نوجوان را محکوم کردند.

عبدالکریم لاهیجی، رئیس فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر، گفت: «ما معتقدیم راه آینده از گفتگو می گذرد، اما دولت ها نمی توانند این واقعیت را نادیده بگیرند که ایران مقام دوم جهان را در میان کشورهای اعدام کننده دارد و هم اکنون قصد دارد محکومان نوجوان را اعدام کند.»

اجرای مجازات اعدام در ایران در چند سال گذشته رو به افزایش بوده است و در صورت ادامه اعدام ها با سرعت کنونی، سال ۲۰۱۵، پس از سال ۱۹۸۹، از لحاظ شمار اعدام ها رکورد به جا خواهد گذاشت*. دولتمردان ایران انجام ۲۴۶ اعدام را از ۱ ژانویه تا ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۵ (۱۱ دی ۱۳۹۳ ـ ۲۴ تیر ۱۳۹۴) تأیید کرده اند. منابع معتبر از انجام ۴۴۸ اعدام دیگر خبر داده اند. این تعداد کمی کمتر از شمار اعدام های گزارش شده در سراسر سال ۲۰۱۴ (۱۱ دی ۱۳۹۲ ـ ۱۰ دی ۱۳۹۳) و نشان دهنده روند بسیار نگران کننده ای در افزایش اعدام هاست. گمان می رود چند هزار تن دیگر، به اتهام هایی از قتل تا مواد مخدر و کفرگویی، اکنون در ایران محکوم به اعدام هستند.

علاوه بر شمار بسیار ناراحت کننده اعدام ها، ایران در میان چند کشور اعدام کننده محکومان نوجوان در جهان مقام اول را داراست. دست کم ۱۶۰ نوجوان محکوم به اعدام در ایران در زمان ارتکاب جرم اتهامی کمتر از ۱۸ سال داشته اند و محکومیت آنها نقض مستقیم حقوق بین المللی و از جمله کنوانسیون حقوق کودک است که ایران امضا و تصویب کرده است.

عبدالکریم لاهیجی اعلام کرد: «با وجود این که اعدام محکومان نوجوان در حقوق بین المللی ممنوع است، ایران همزمان با بهبود روابط با غرب به این اعدام ها ادامه می دهد. جامعه بین المللی، از جمله اتحادیه اروپا، مسؤولیت دارند حقوق بشر را در مرکز روابط شان با ایران قرار دهند و بر توقف فوری این موارد نقض حقوق بشر اصرار بورزند.»

ایران در تاریخ ۲۶ فروردین امسال (۱۵ آوریل ۲۰۱۵)، جواد صابری را به اتهام قتل اعدام کرد، با وجود این که او در زمان ارتکاب جرم اتهامی فقط ۱۷ سال داشت و دارای بیماری روانی جدی بود. چند محکوم نوجوان دیگر نیز با سرنوشت مشابهی روبرو هستند: سالار شادی زادی به اتهام قتلی که گویا در سن ۱۵ سالگی مرتکب شده در روز ۱ آگوست ۲۰۱۵ (۱۰ مرداد ۱۳۹۴) اعدام خواهد شد. حمید احمدی نیز با خطر اعدام در آینده نزدیک مواجه است، با وجود این که در مورد سن او

در زمان ارتکاب جرم اتهامی تردید وجود دارد. بنا به بعضی از گزارش ها، او در آن زمان ۱۵ سال داشته، ولی بعضی دیگر سن او را در آن زمان ۱۶ سال اعلام کرده اند. سامان نسیم به اتهام جرمی که گویا در سن ۱۷ سالگی مرتکب شده بود، به اعدام محکوم شده بود. گمان می رفت او پنج ماه پیش مخفیانه اعدام شده است، اما او به تازگی در زندان زنجان مشاهده شده است.

سازمان های ما با تأکید از دولت ایران می خواهند اعدام تمام محکومان نوجوان را فوری متوقف کند، و به عنوان اولین گام در راه الغای کامل مجازات اعدام، دست از اجرای این مجازات در مورد نوجوانان بردارد. به علاوه، از جامعه بین المللی درخواست می کنیم بر مشروط بودن روابط اقتصادی و سیاسی با ایران به احترام به حقوق بشر و رعایت تعهدات آن بر اساس حقوق بین المللی اصرار بورزند.

_____

* ایران در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) در حدود ۵۰۰۰ تن و در سال ۱۹۸۹ (۱۳۶۸) بیش از ۱۵۰۰ تن را اعدام کرد.

---

# زندگی رضا دانشور را سپاس گزاریم

رضا دانشور رستگاری را در کتاب می‌جست. می‌گفت اگر کتاب نبود بی‌گمان روح متلاطمش سرنوشتی جز غرق‌شدن در هولناک‌ترین ورطه ها نمی‌یافت. به اعجاز خواندن و نوشتن از ظلمات به روشنائی راه می‌برد.

رضا دانشور نوشتن را نه ثمره یِ الهام، بل حاصل کاری بی‌وقفه می‌دانست که با کسب دانش و هنر میسر می‌شود. تلاش مداوم در کشف و آموختن، از او آموزگاری یگانه ساخته بود، گرچه نویسندگی ادعایش بود.

تنها مدعی که می‌پذیرفت اما، نقد بود و نقد را بی آزادی میسّر نمی‌دانست. پس هرگز به استبداد در هیچ لباسی تن نداد. با حبس و زندان و تبعید آشنا شد و زیست. به جان کوشید همه این زندگی‌ها را دستمایه یِ نوشتن کند. قلمش به هیچ سازش و سهل انگاری تن نداد.

به تکرار می‌گفت که حیات و بقایِ کتاب در نوشتن است و در خواندن و از رابطه یِ این دو، کتاب فروغ می‌گیرد و دوام می‌یابد. و می‌گفت که یکی از بلایائی که در سرزمین ما نوشتن را به انحطاط تهدید می‌کند سستی این رابطه است.

نوشته‌های رضا دانشور، رمان‌ها، نمایش‌نامه ها، داستان‌های کوتاه و مقاله هایش، آثاری هستند که ما را به لذتِ ناب خواندن، پرسیدن و دوباره خواندن دعوت می‌کنند. دریغا که پیش از درگذشت او، این دعوت به سبب سانسور، فقر نقد و تبعاتِ تبعید، چنان که باید و شاید اجابت نشد. اما، دعوت به ضیافتِ آثارش همچنان برجاست.

زندگی رضا دانشور در کتاب‌ها و کتابت‌هایش ادامه می‌یابد، هم او که کلامش چنین به مصاف مرگ می‌رود:

مرگ
ظاهریست بی باطن
حضوری است بی گوهر
که از غیاب سرشته است
و ما، خود، گوهر اوئیم.

پنجشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۹۴ – ۰۴ ژوین ۲۰۱۵

پیروز آدمیّت، هومن آذرکلاه، رسول آذرنوش، نعمت آزرم، مژگان آموزگار، بابک احمدی، اعظم ازغندی، بهرام اسدیان، بهروز اسدیان، علی اسدیان، یوسف اسدیان، علی اشرافی، مریم اشرافی، فرید اشکان، مهدی اصلانی، محمد اعظمی، رضا اغنمی، حسین افصحی، آذر اکبری، حمید اکبری، رضا اکرمی، الهه امانی، ایوب امدادیان، شادی امین، بهمن امینی، حسین انور حقیقی، اصغر ایزدی، محمود ایمانی، جواد باجغلی، منیره برادران، مهرداد بران، رویا برومند، لادن برومند، تیمور بزرگی، مریم بسکی، فرامرز بهار، نورا بیانی، روشنک بیگناه، داریوش بی‌نیاز، رضا بیشتاب، کوشیار پارسی، ناصر پاکدامن، باقر پرهام، نهال تجدّد، هایده ترابی، گلی ترقی، شهین تقدیسی، حمیدرضا جاودان، اقدس جاویدی، سیروس جاویدی، نسرین جاویدی، بابک جزنی، میهن جزنی، محمد جلالی (م. سحر)، شهریار حاتمی، ویدا حاجبی، فروغ

حاشابیکی، زهره حبیب محمدی، قدسی حجازی، فرید حدیدی، مینا حریری، حسن حسام، محسن حسام، فریده حقانی، نسیم خاکسار، مهدی خانبابا تهرانی، هادی خرسندی، اسماعیل خویی، بهروز داودی، رضا دقتی، عزّت دولت آبادی، سوده راد، حمید ذوالنور، قاضی ربیحاوی، ناصر رحمانی‌نژاد، ناصر رحیم‌خانی، سهیل رسولی، فاطمه رضائی، مرتضی رفیعی، فرهمند رکنی، میهن روستا، فواد روستائی، یدالله رویایی، صدرالدین زاهد، ناصر زراعتی، امید ساعدی، سهیل سپه پور، هایده سپه پور، اکبر سردوزامی، عباس سلیمی، علی اصغر سلیمی، یزدان سیدالشهدایی، محسن شایسته، علی شریعت کاشانی، شهلا شفیق، بهروز شیدا، مهرناز صالحی، حمید صدر، شادی صدر، محمدحسین صدیق یزدچی، محمود صفریان، فرزانه طاهری، علی طلوع، شبنم طلوعی، بهروز عارفی، علی عرفان، بتول عزیزپور، سهیلا عزیزی، رضا علامه زاده، جلال علوی نیا، ثریا علی‌محمدی، فریبرز علی‌محمدی، مژگان غفاری شیروان، کامبیز غفوری، مسعود فتحی، حمید فدوی، سوسن فرّخ نیا، رحمت فرنود، رعنا فرنود، ویدا فرهودی، پرستو فروهر، رضا قاسمی، آیدا قجر، پرویز قلیچ خانی، شهرام قنبری، سعید قهرمانی، هایده قهرمانی، فرشین کاظمی نیا، کاظم کردوانی، علی کریم‌زاده، ژان کلود کَریِر، سرور کسمائی، بهزاد کشاورزی، منیره کشاورزی، رئوف کعبی، محمود کویر، مینو گل‌بهار، منوچهر گلشن، باربد گلشیری، رضا گوهرزاد، کریم لاهیجی، مهناز متین، مریم متین دفتری، هدایت متین دفتری، پروین محسنی، ضرغام محمودی، پرویز مختاری، بنفشه مسعودی، ایرج مصداقی، بیژن معجری، اکبر معصوم بیگی، بهروز معظمی، ژیلا معظمی، ابراهیم مکی، سیروس ملکوتی، علیرضا مناف زاده، محمد منتظری، ناصر مهاجر، فرهاد مهدوی، آناهیتا مهدی پور، حمید مهدی پور، جهان‌نور مهربخش، جعفر مهرگانی، باقر مومنی، میترا میرزازاده، انور میرستاری، رضا ناصحی، شکوه نجم آبادی، علی ندیمی، حمید نعیمی، زهره نعیمی، فرشته نصر، ناهید نصرت، مسعود نقره کار، محمود نکونام، شهین نوائی، حمید نوذری، حسین نوش‌آذر، مانا نیستانی، الیکا هدایت، رضا هیوا فرشید یاسایی، منوچهر یزدیان، محسن یلفانی.